

ترکان در فرار و دان

درآمد

حکومت ایرانی تبار سامانی، که چند قرن پس از ورود اسلام در منطقه ماوراءالنهر تأسیس شد و توانست برخی ویژگی‌های فرهنگ ایرانی از جمله زبان و ادب پارسی را زندگی دویاره بخشد و به رشد و توسعه علم و دانش و ادب و پرورش دانشمندان و شاعرا و هنرمندان همت گمارده، اندک اندک بر اثر نابسامانی‌های داخلی و سرکشی برخی دولتمردان و سران نظامی به ضعف کشیده شد. این وضع در حالی بود که در اطراف سرزمین این دولت، صحراء نشینان مترصدی که همواره در انتظار فرستی بودند تا بتوانند به مرزهای این امپراتوری نفوذ کنند و بر منابع ثروت ایشان دست یابند وجود داشتند.

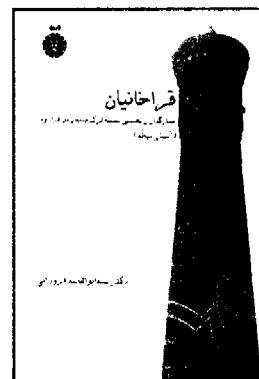
ترکان صحرائگرد قراخانی از مهم‌ترین این اقوام بودند که گاه و بی‌گاه مراحته‌هایی برای دولت قدرتمند سامانی فراهم می‌ساختند. سرانجام زمینه برای نفوذ ایشان در زمان فرمانروایی امیر نوح بن منصور سامانی فراهم گردید و به سال ۳۸۲ هـ بقراخان هارون، قراخانی به فرار و لشکر کشید و بخارا پایخت سامانیان را تصرف کرد. هر چند حضور وی در بخارا دیری نپایید و امیر نوح توانست مجدداً در آن جا مستقر شود. لیکن این اتفاق را مسد نشانه بدی داشت که اوضاع ناسامانیان موجب آن بود. اوضاعی که از درون، امپراتوری سامانی را به درماندگی سوق میداد. سرانجام چنین وضعی زمینه‌ای فراهم ساخت که ایلک نصر بن علی قراخانی مجدداً و این بار با عزمی جدی تر فرار و را درنورد و با تصرف مجدد بخارا به سال ۳۸۶ هـ ق سلسله سامانی را براندازد.

معرفی کتاب

کتاب در یک مقدمه و نه فصل به انصمام پیوست‌ها، که شامل تصاویری از آثار معماری و مسکوکات قراخانیان است، تدوین شده است. عنوان فصل نخست کتاب «چگونگی شکل گیری حکومت قراخانیان» است. مؤلف در این غصل به مباحثی همچون نام‌های گوناگون سلسله قراخانی و تبارشناسی ایشان پرداخته و نظام حکومت آن‌ها را بررسی کرده است. توجه به مسأله اداره قلمرو قراخانیان به شیوه دوخانی و هم‌چنین مسلمان بودن این سلسله، از مباحث جالب توجه این فصل است. مؤلف بر آن است که قراخانیان عنوانی است که مستشرقان اروپایی بر این سلسله نهاده‌اند. در فصل دوم که عنوان «نشیاب اللوله بغراخان نخستین فاتح فرار و دان» نویسنده به مسأله دیرینگی نبرد ساکنان ماوراءالنهر با ترکان و سابقه‌ی این

• رسول گودینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران



■ قراخانیان؛ بنیان‌گذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرار و دان (آسیای میانه)

■ دکتر سید ابوالقاسم فروزانی

■ تهران، انتشارات سمت، چاپ اول: ۱۳۸۶، تعداد صفحات: ۱۹۸

می شود و مناسبات قراخانیان با سلجوقیان به تفصیل مورد بحث واقع می شود، ذکر اوضاع سیاسی مملکت قراخانیان بعد از درگذشت احمد خان موضوع دنباله فصل است. از آن جا که فعالیتهای سلجوقیان در این زمان تأثیر مهمی بر اوضاع فرارود داشته، نویسنده بخش مهمی از مطالب را به بررسی اقدامات سلجوقیان اختصاص داده است. حاکمان قراخانی فرارود در این زمان از جانب سلجوقیان منصوب می شدند و در حقیقت دست نشاندگان ایشان بودند. به عنوان مثال در سال ۴۹۱ هـ سلطان بکیارق به ترتیب سلیمان تگن، محمود تگین و هارون تگین را به حکومت فرارود گماشت و یا ارسلان خان محمد بن سلیمان خان حاکم دست نشانده سلطان سنجر بود. (ص ۱۳۸) در پایان فصل به چگونگی زوال قراخانیان اشاره شده و آمده است: «قراخانیان تازمان روی کار آمدن خوارزمشاهیان، در سمرقند حکومت می کردند و در این دوره تابعیت علاء الدین محمد خوارزمشاه را پذیرفتند. اما روابط ایشان اندک اندک تیره شد و سلطان محمد در سال ۶۰۹ هـ بساط قراخانیان را برچید». (ص ۱۵۲)

فصل پایانی کتاب به بررسی اوضاع سیاسی، اداری، ادبی، مذهبی و هنری فرارود در دوران حکومت قراخانیان پرداخته. مسأله جالب توجه در ارتباط با وضع سیاسی قراخانیان، عادت ایشان به شیوه‌ی زندگی صحرائشینی و ابتدای اداره حکومت آن‌ها بر اساس روش دوخانی بود که از دید نویسنده می‌توانست وحدت سیاسی را در مaurae‌النهر پر بهم زند، چیزی که با دوره‌ی قبل - روزگار سامانیان - تفاوت بسیار داشت. از این‌رو از دید نویسنده این امر به انحطاط سیاسی مaurae‌النهر منجر شد. (ص ۶۱)

از نظر ادبی نیز به نظر نویسنده هرچند برخی امراء قراخانی مشوق ادب و علم بودند، اما فعالیت ایشان هیچگاه به پای دوران پیش از خود نمی‌رسد و مسائلی همچون مهاجرت ادبی در اثر وضع بد سیاسی، تکلف بسیار در کلام و ورود لغات متعدد ترکی و عربی در نظم و نثر... وضع قابل تحسبی را برای ادبیات این دوره رق رنگ زده است. (صص ۱۶۳-۱۶۴)

وضع مذهبی مaurae‌النهر در دوره قراخانیان بر اساس مطالب مندرج در کتاب، همواره تحت تأثیر مسائل سیاسی بوده و نزاع بین امرا و روحا نیان مشخصه‌ی اصلی آن است. هرچند نویسنده بنابر شواهدی که از منابع ذکر می‌کند، امراء قراخانی را عمدتاً افرادی متدين و حتی سخت‌گیر در مسائل مذهبی می‌داند. (صص ۱۷۲-۱۷۳)

در پایان کتاب، مؤلف از وضع معماري و هنر در دوره‌ی فرمانروایی قراخانیان سخن می‌گوید. بنابر نوشه‌های وی امراء قراخانی علی‌رغم اشتغال به زندگی صحرائشینی، از پرداختن به هنر و معماري غفلت نوزیدند و در دوره‌ی تسليط ایشان قصرها، رباطها، مساجد، پل‌ها و ابینه‌ی متعدد دیگر در شهرهای مaurae‌النهر؛ بخارا، سمرقند... بنا گردید. (ص ۱۷۵) در دنباله از برخی ویژگی‌های هنری آثار این دوره سخن رفته است.

کتاب مزبور در زمرة‌ی کتاب‌های درسی به‌شمار می‌رود. با توجه به منابع اندکی که تاریخ این سلسله در آن‌ها منعکس شده، کتاب قراخانیان می‌تواند اثر نسبتاً جامعی به‌شمار رود. این در حالی است که تاکنون اثر مستقلی، دست کم به زبان فارسی، درباره‌ی این سلسله تألیف نشده است. از این‌رو این کتاب می‌تواند منبع مطالعه‌ی خوبی برای دانشجویان به حساب آید.

منازعات در آن سرزمین می‌پردازد. در ادامه به اقدامات شهاب الدوله بغراخان هارون قراخانی می‌پردازد و او را نخستین فاتح فرارود می‌داند و اقدامات وی در جهت گسترش اسلام و توسعه قلمرو خود را بررسی شمرد. سپس به برخی دلایل نایابداری سامانیان و شکست ایشان در برابر قراخانیان می‌پردازد. از دید وی آشفتگی امور حکومت و نایابداری بزرگان آن دولت در پشتیبانی از امیر سامانی از دلایل عدمه بوده است. (ص ۳۰)

ایلک نصر بن علی قراخانی و برادرانی سلسله سامانی «عنوان فصل سوم» کتاب است. در این فصل تاریخ دولت قراخانی هنگامی که در مaurae‌النهر به عنوان یک قدرت مطرح استقرار یافته‌اند، بررسی می‌شود، از این‌رو برخی مسائل سیاسی این سلسله و درگیری‌ها و مناسباتش با قدرت‌های موجود مورد بحث قرار گرفته است. از جمله بررسی نخستین حاکمان قراخانی و مسائل مربوط به جانشینی آن‌ها، مناسبات ایشان با بازماندگان خاندان سامانی، همچنین روابط نخستین حاکمان قراخانی با غزنویان و صفاریان، در پایان فصل، از برخی اقدامات نافرجم بازماندگان سامانیان برای احیای قدرت سخن رفته است و خصایل ایلک نصر بن علی را برسرمده است.

در فصل چهارم آغاز کشمکش‌های دروغی میان قراخانیان مورد بحث است. دوران حکومت طغان خان جانشین ایلک نصر بن علی و ایام فرمانروایی ارسلان خان محمد جانشین طغان خان، روابط قراخانیان در این زمان با غزنویان موضوع ادامه فصل است در پایان از خصایل ارسلان محمد خان سخن رفته است.

پس از ارسلان خان محمد قراخانی قدر خان یوسف به سال ۴۱۵ هـ به قدرت رسید، فصل پنجم با عنوان «روزگار فرمانروایی قدر خان یوسف و پسران» به بررسی این موضوع می‌پردازد. مطالب عدمه این فصل به بحث درباره روابط قدر خان یوسف با غزنویان سلجوقیان و همچنین برخی عناصر مدعی خاندان قراخانی اختصاص یافته است. بنابر قول نویسنده روابط قراخانیان با قدرت‌های مزبور در این روزگار مسالمت‌آمیز بوده است. (ص ۸۷) در ادامه از روزگار حکومت ارسلان خان دوم جانشین قدر خان و منازعاتی که بین جانشینان وی رخ داده، سخن می‌رود.

فصل ششم کتاب عنوان «بوروی تگن قراخانی» را دارد. این فصل به بررسی دوران حکومت بوری تگن و فرسته‌های او برای قرار گرفتن در مسیر پیشرفت، می‌پردازد. از دید نویسنده، عامل اصلی این امر اشغال غزنویان و خلاً قدرت در میان حاکمان قراخانی بوده است. (ص ۱۰۵) ارتباط قراخانیان با غزنولیان و سلجوقیان در این دوره از اهمیت فراوانی برخوردار است و بخش عمده‌ی این فصل را بررسی همین روابط تشکیل می‌دهد.

در فصل هفتم مسأله فرمانروایی فرزندان بوری تگن بر مaurae‌النهر بررسی شده است. بیشترین حجم این بخش نیز به ایام حکومت شمس‌الملک قراخانی و جانشین وی خضرخان اختصاص یافته است. موضوع مهم دیگر این فصل، مناسبات خوانین مزبور با سلاجقه است که قدرت مسلم روزگار بودند. در پایان فصل شیوه‌ی حکومت شمس‌الملک بررسی شده است. «قراخانیان در تابعیت سلجوقیان» موضوع فصل هشتم کتاب است. این فصل با بحث درباره‌ی ایام حکومت احمدخان قراخانی، فرزند خضرخان آغاز